

فرعون بنی عون پیش از آنکه دعوی خدا را بکند در قصر خود بسم الله الرحمن الرحیم نویسانید و بعد از آن چون دعوی خدا بپای کرد موسی علیه السلام او را قابل حرمت حق ندید بپای او دعا کرد حق تعالی وی را که موسی گفت یا موسی تو با کمال و نجوای تو نظر بر کفر او میکنی بنظر من بسوی او بجز برادر نوشته اند میگویم ای بنده مرا در اینجا بنشین رستگاری بسم الله الرحمن الرحیم برادر او نوشتند این شد بود و از پلک شدن چون گفت او را دو طاقی شد بعد از آن پلک شد پس بسم الله الرحمن الرحیم را بر صفحه دال نوشتند و این نام بزرگ را و ایمه میگوید می توانست که ویرایش گشت باشد **نقل شد** که وی که دعوی خدا را بنمود موسی ای موسی بنیامر بر کنده ای بد آنکه هر جائی که از دنیا پردن می آید تشنه میرود مگر کسی بسم الله الرحمن الرحیم گفته باشد **نقل شد** از حضرت علی علیه السلام بر سید مرتضی بسم الله الرحمن الرحیم در فضیلت است محمد علیه السلام گفت ای منظر دریا حضرت محمد رسول الله بود که در شب عراج از حق پیچید سوال کرد و من ترا امرت بر فضل و منت بسیار است که ام منت است هیچ منت و رای آن منت نیست فرمان که که محمد از امر و زتان زمانه که بداند بسم الله که از دست تو منته شود و او را نامی نهی که حرف از حرف بسم الله الرحمن الرحیم در نام او باشد چون فردای قیامت شود و خلق او را

ج

جمع شوند و شمشیر و شمشیر و فرمان و آن کس که او را دعا در سپید و جلدی خلاق بیک این فرمان روی بدو و بخارند چون از است تو که نور ایمان قرین او باشد و یک حرف از بسم الله الرحمن الرحیم در نام او باشد و در دو روز نندیشد و پنج هزار ساله را در پیش او گیرند و ای عزیز من که بسم الله را بر زبان را نداشتش و پنج روزی که گفت خاصه پس بطلان را بداد و او توان داشت که منت او چند باشد و یا گفتند از دست خضر رسیدم که هر عالم جبهه بود گفت که ای از دست من ربهشت را مگر بگو از بسم الله الرحمن الرحیم که بسم الله الرحمن الرحیم که نداشتی منتظر دریا ترا درین محلی گویم که کس نشنود و یا گفت بد آنکه من که خضرم و آن حکیم و پیر او در یک جای بود و آن قصه جان بود که روزی لقان حکیم را بر سر خود را باندی و او که کار کردی که باندی بگو بسم الله الرحمن الرحیم و حق را بکنی که کشتن تنبیه لقان حکیم بر سرش را این بند و او بعد از پیر رو بر حق پرست بر سرش و صیت او را بجای می آورد و بر کتار و زکار و عامل شد و بدو استایان از جهان پیرون شد و منت خضر علیه السلام گفت ای منظر دریا از لقان شنود ام بهشت را منت و معرفت و یک درو که نام آن را و از آن کسی بهشت را و عمر و زنده داران و در جهان و دیگر کسی با غلام بسم الله الرحمن الرحیم که نداشت **نقل شد** از تفسیر منی در حدیث آمده است

Copyright © King Fahd University